



رئاسة الشؤون الدينية  
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی

فارسي

التَّحْذِيرُ مِنَ الْبِدْعِ

# بر حذر داشتن از بدعتها



علامه شیخ

عبد العزيز بن عبد الله بن باز

رحمه الله

ح) جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات ، ١٤٤٦ هـ

بن باز ، عبدالعزيز  
التحذير من البدع - فارسي. / عبدالعزيز بن باز - ط١. - الرياض  
، ١٤٤٦ هـ  
٦٧ ص :..سم

رقم الإيداع: ١٤٤٦/١٧٠٢١  
ردمك: ٣-٣٧-٨٥٣٤-٦٠٣-٩٧٨

التَّحذِيرُ مِنَ الْبِدْعِ

بر حذر داشتن از بدعتها

لِسَمَاحَةِ الشَّيْخِ الْعَلَّامَةِ  
عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَازٍ  
رَحِمَهُ اللَّهُ

علامه شیخ

عبد العزیز بن عبد الله بن باز

رحمه الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه پنجم:

## حکم برگزاری جشن میلاد پیامبر و سایر جشن های تولد

ستایش از آن الله است، و درود و سلام بر پیامبر خدا و بر خاندان و اصحاب او و بر کسانی که به هدایت او رهنمون شده اند.

اما بعد: بسیاری از افراد بارها درباره حکم جشن گرفتن میلاد پیامبر صلی الله علیه وسلم و برخاستن در حین آن و سلام دادن بر او و دیگر اعمالی که در موالد انجام می شود، سؤال شده است.

پاسخ این است که باید گفت: جشن گرفتن میلاد پیامبر صلی الله علیه وسلم و دیگر تولدها جایز نیست؛ زیرا این عمل از بدعت های نوآورانه در دین است. چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین کاری نکرده اند، و خلفای راشدین، و سایر صحابه رضوان الله علیهم و تابعین ایشان در قرون مفضله که با نیکی از آنها پیروی کرده اند چنین کاری نکرده اند؛ و ایشان آگاه ترین مردم به سنت و

کامل‌ترین محبت را نسبت به پیامبر صلی الله علیه وسلم دارند، و بهتر از کسانی که پس از آنان آمدند از شرع او پیروی کرده‌اند. خداوند سبحانه و تعالی در کتاب روشن خود چنین فرموده است:

﴿...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَأَنْتَهُوا...﴾

یعنی: (و آنچه را پیامبر به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را از آن بازداشت، باز ایستید). [الحشر: ۷].

و الله متعال می‌فرماید:

﴿...فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

یعنی: (پس کسانی که از امر او سرپیچی می‌کنند از این برحذر باشند که فتنه‌ای به آنان برسد یا دچار عذاب دردناکی گردند). [نور: ۶۳]، و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ  
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿١١﴾﴾

یعنی: (یقیناً برای شما در [زندگی] رسول الله سرمشق نیکویی است، برای آنان که به الله و روز آخرت امید دارند، و الله را بسیار یاد می‌کنند) [احزاب: ۲۱]، و الله متعال می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

یعنی: (و پیشگامان نخستین - از مهاجران و انصار - و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، الله از آنان راضی گشت و آنان [نیز] از او راضی شدند؛ و باغ‌هایی [در بهشت] برایشان مهیا کرده است که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. این همان [رستگاری و] کامیابی بزرگ است).  
[التوبة: ۱۰۰]. و الله متعال می‌فرماید:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

یعنی: (امروز دین تان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان بهترین] دین برای تان برگزیدم). [المائدة: ۳].

و آیات در این معنا بسیارند. و از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت است که فرمودند: «مَنْ أَحَدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»، یعنی: «هر کس در این امر ما (یعنی دین) چیزی را ایجاد کند که از آن نیست، آن [کار] مردود است». یعنی: باطل است و پذیرفته نمی‌شود. و در حدیثی دیگر فرموده است: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي، تَمَسَّكُوا بِهَا، وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»، یعنی: «بر شماست [گرفتن] سنت من، و سنت خلفای راشدین هدایت شده بعد از من، به آن تمسک بجوید و آن را با بن دندان بگیرید، و بر حذر باشید از نوآوری در دین، زیرا هر نوآوری در دین بدعت است و هر بدعتی گمراهی است».

در این دو حدیث، هشدار شدیدی نسبت به ایجاد بدعت‌ها و عمل به آن‌ها وجود دارد.

از ایجاد چنین تولدهایی این برداشت می‌شود که خداوند سبحانه و تعالی دین را برای این امت کامل نکرده است، و پیامبر صلی الله علیه وسلم آنچه که لازم است امت به آن عمل کند را نرسانده‌اند، تا اینکه این دیرآمدگان (متاخران) آمدند و در شریعت خدا چیزی را که اجازه داده نشده بود، نو ساختند؛ با این ادعا که این کار، آنان را به خدا نزدیک می‌کند. و این بدون شک خطر بزرگی بوده و اعتراضی بر خدای سبحان و پیامبرش صلی الله علیه وسلم است.

و الله سبحانه و تعالی دین را برای بندگانش کامل کرده و نعمت را بر آنان تمام نموده است و پیامبر صلی الله علیه وسلم پیام را به روشنی ابلاغ کرده و از بیان هیچ راهی که به بهشت می‌رساند و از آتش دور می‌کند برای امت فروگذار نکرده است، چنانکه در حدیث صحیح از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَا بَعَثَ اللَّهُ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَيْهِ أَنْ يَدُلَّ أُمَّتَهُ عَلَى خَيْرٍ مَا يَعْلَمُهُ لَهُمْ، وَيُنذِرَهُمْ شَرَّ مَا يَعْلَمُهُ لَهُمْ»، یعنی: «پیامبری نبوده که الله او را مبعوث ساخته مگر آنکه این حق [برای امتش] بر عهده او بوده، که امتش را به سوی خوبی‌هایی که می‌داند

راهنمایی کند، و آنان را از بدی‌هایی که می‌داند بر حذر دارد». مسلم آن را در صحیح خود روایت کرده است.

معلوم است که پیامبر ما صلی الله علیه وسلم، برترین و خاتم پیامبران و کامل‌ترین آنها در ابلاغ و نصیحت است. اگر جشن گرفتن موالد از دین بود که الله سبحانه آن را می‌پسندید، رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را برای امت بیان می‌کرد یا در زندگی‌اش انجام می‌داد یا اصحابش رضی الله عنهم آن را انجام می‌دادند. پس چون هیچ‌یک از این‌ها رخ نداده، مشخص می‌شود که این امر از اسلام نیست، بلکه از بدعت‌هایی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم امت خود را از آن بر حذر داشته است، چنانکه در احادیث پیشین ذکر شد. و آیات و احادیث در این باب بسیار است.

همچنین گروهی از علما به دلیل عمل به ادله مذکور و غیره، صراحتاً این جشن‌های مولود را انکار کرده و از آن‌ها بر حذر داشته‌اند؛ اما برخی از متأخرین مخالفت کرده و آن را در صورتی که شامل هیچ‌یک از منکرات نباشد، جایز دانسته‌اند؛ یعنی در صورتی که از غلو در حق رسول الله صلی الله علیه وسلم، و اختلاط زنان با

مردان، و استفاده از آلات لهو و لعب، و دیگر اموری که شرع مطهر آن را انکار می‌کند خالی باشد، و گمان کرده‌اند که این‌ها از بدعت‌های حسنه است.

و قاعده شرعی این است که آنچه مردم در آن اختلاف دارند به کتاب الله و سنت رسول الله محمد صلی الله علیه وسلم بازگردانده شود، چنانکه الله جل جلاله می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾﴾

یعنی: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله و پیامبر و کارگزاران [و فرماندهان مسلمان] خود اطاعت کنید و اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به [کتاب] الله و [سنت] پیامبر بازگردانید. اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید، [یقین داشته باشید که] این [بازگشت به قرآن و سنت، برایتان] بهتر و خوش‌فرجام‌تر است). [النساء: ۵۹].

و الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ...﴾

یعنی: (ای مردم،) هر اختلافی بین شماست، داوری اش با الله  
است) [الشوری: ۱۰].

ما این مسئله را که همان جشن گرفتن میلاد است به کتاب الله بازگردانیم، و دیدیم که ما را به پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در آنچه آورده امر می کند و از آنچه نهی کرده است برحذر می دارد، و به ما خبر می دهد که الله سبحانه دین این امت را کامل کرده است، و این جشن گرفتن از جمله آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده نیست؛ بنابراین بخشی از آن دینی که الله برای ما کامل کرده و ما را به پیروی از پیامبر در آن امر کرده نیست.

همچنین این را به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم ارجاع دادیم؛ و در آن نیافتیم که او چنین کرده باشد یا به آن امر کرده باشد و یا اصحابش رضی الله عنهم چنین کرده باشند؛ پس دانستیم که این از دین نیست بلکه از بدعت های نوساخته و از شبیه ساختن خود به اهل کتاب از یهود و نصاری در اعیادشان می باشد.

و بدین ترتیب برای هر کسی که اندک بصیرت و علاقه‌ای به حق دارد و در طلب آن انصاف دارد، روشن می‌شود که جشن گرفتن موالد از دین اسلام نیست، بلکه از بدعت‌های نوساخته‌ای است که خداوند سبحان و رسول او صلی الله علیه وسلم به ترک و پرهیز از آنها امر کرده‌اند. انسان عاقل نباید فریب کثرت افرادی را بخورد که در سراسر جهان این کار را انجام می‌دهند، زیرا حق با کثرت فاعلان شناخته نمی‌شود، بلکه با دلایل شرعی شناخته می‌شود، همان‌طور که الله متعال درباره یهودیان و نصاری فرموده است:

﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرِيًّا تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۱﴾﴾

یعنی: ([اهل کتاب] گفتند: جز یهودی یا نصرانی، [هیچ کس] هرگز وارد بهشت نخواهد شد. این آرزوهای [باطل] آنهاست. [ای پیامبر، به آنان] بگو: اگر راست‌گویید، دلیل خود را بیاورید). [بقره: ۱۱۱]، و الله متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تَطَّعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...﴾

یعنی: (و اگر از بیشتر مردم زمین اطاعت کنی، تو را از راه الله گمراه می‌کنند) [الأَنْعَام: ۱۱۶].

از سوی دیگر، بیشتر این جشن‌های مولود با اینکه بدعت هستند، خالی از منکرات دیگر هم نیستند؛ مانند اختلاط زنان و مردان، استفاده از آهنگ‌ها و آلات موسیقی، نوشیدن مسکرات و مخدرات و دیگر بدی‌ها. و ممکن است در آن چیزی بزرگ‌تر از این رخ دهد، و آن شرک اکبر است؛ و این با غلو در مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم یا دیگر اولیاء و دعای آنان و به فریاد خواهی از آنان و طلب یاری از آنان و اعتقاد به اینکه آنان علم غیب دارند و امثال این امور کفرآمیز که بسیاری از مردم در هنگام جشن گرفتن میلاد پیامبر صلی الله علیه وسلم و دیگر کسانی که آنان را اولیاء می‌نامند مرتکب می‌شوند، رخ می‌دهد.

از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِي الدِّينِ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْغُلُوَّ فِي الدِّينِ»، یعنی: «از غلو در دین پرهیز کنید، زیرا امت‌های پیشین را غلو در دین به هلاکت رساند».

و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطَرَتِ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ، إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ، فَقُولُوا: عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ»، یعنی: «در مدح و ستایش من زیاده روی نکنید چنانکه نصاری دربارۀ عیسی بن مریم مبالغه کردند. من تنها بنده‌ای [از بندگان الله] هستم. پس بگویید: بنده الله و فرستاده او». روایت بخاری در صحیح، از حدیث عمر رضی الله عنه.

از عجایب و غرایب این است که بسیاری از مردم در حضور یافتن در این جشن‌های بدعت‌آمیز فعال و کوشا هستند و از آنها دفاع می‌کنند، اما از آنچه خداوند بر آنها واجب کرده، یعنی حضور در نماز جمعه و جماعت‌ها، سرباز می‌زنند و به آن اهمیتی نمی‌دهند و فکر نمی‌کنند که مرتکب منکر بزرگی شده‌اند. بدون شک این از ضعف ایمان، کمبود بصیرت و فراوانی آنچه بر دل‌ها از انواع گناهان و معاصی سنگینی کرده، ناشی می‌شود. از خداوند برای خود و سایر مسلمانان عافیت می‌طلبیم.

از جمله اینکه: برخی گمان می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم در مراسم مولود حضور می‌یابد؛ به همین دلیل برای او

برخاسته و خوش آمد می گویند، و این از بزرگ ترین باطل ها و زشت ترین جهل ها است، زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم تا روز قیامت از قبر خود خارج نمی شود و با هیچ کس از مردم ارتباط برقرار نمی کند و در اجتماعات آن ها حضور نمی یابد، بلکه ایشان تا روز قیامت در قبرشان هستند و روح ایشان در اعلی علین نزد پروردگارشان در دار کرامت است، همان طور که خداوند می فرماید:

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾﴾

یعنی: (سپس مسلماً شما بعد از این خواهید مرد \* آنگاه یقیناً شما روز قیامت بر انگیخته می شوید). [المؤمنون: ۱۵، ۱۶].

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ، وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ»، یعنی: «من نخستین کسی هستم که در روز قیامت قبرش شکافته می شود و اولین شفاعت کننده و اولین کسی که شفاعتش پذیرفته خواهد شد».

بر او از جانب پروردگارش بهترین درود و سلام باد.

این دو آیه کریمه و حدیث شریف و آنچه در معنای آنها از آیات و احادیث آمده است، همه دلالت بر این دارند که پیامبر صلی الله علیه وسلم و دیگر مردگان، تنها در روز قیامت از قبرهای شان بیرون می آیند، و این امری است که بین علمای مسلمان مورد اجماع است و درباره آن هیچ اختلافی نیست. باید هر مسلمان به این امور توجه کند و از آنچه جاهلان و امثال آنان از بدعت‌ها و خرافات پدید آورده‌اند که الله هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده، برحذر باشد. از الله یاری می‌خواهیم و بر او توکل می‌شود، و هیچ نیرو و توانی نیست جز از سوی او.

اما درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه و سلم از بهترین عوامل نزدیکی به پروردگار و از اعمال نیک است، همانطور که الله متعال فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

یعنی: (به راستی، الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ [پس] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [شما نیز] بر او درود فرستید و

به شایستگی سلام گویند) [احزاب: ۵۶]. و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَاحِدَةً؛ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا»، یعنی: «هر کسی بر من یک درود بفرستد، الله بر او ده درود می فرستد».

و این [یعنی ذکر] در همه اوقات مشروع است و در پایان هر نماز به انجام آن تأکید شده است، بلکه نزد جمعی از علما در تشهد آخر هر نماز واجب است. و سنت بودن آن در مواضع بسیاری مورد تأکید است؛ از جمله بعد از اذان، و هنگام یاد شدن ایشان علیه الصلاة والسلام، و در روز و شب جمعه، چنانکه احادیث بسیاری بر این دلالت دارد.

از الله خواهانم که ما و سایر مسلمانان را برای فهم دینش و استقامت بر آن توفیق دهد، و بر همه ما منت نهد که به سنت پایبند باشیم و از بدعت پرهیزیم، همانا او بخشنده و گرامی است.

و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد و بر آل و اصحاب او باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه ششم:

## حکم جشن گرفتن شب اسراء و معراج

ستایش از آن الله است و درود و سلام بر رسول الله و بر آل و اصحاب او.

اما بعد: هیچ شکی نیست که اسراء و معراج از آیات بزرگ الله متعال است که بر صدق پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم و بزرگی جایگاه او نزد الله جل جلاله دلالت دارد، و همچنین از نشانه‌های قدرت شگفت‌انگیز الله و برتری او سبحانه و تعالی بر تمامی مخلوقاتش است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَمِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾<sup>(۱)</sup>

یعنی: (پاک و منزّه است آن [پروردگاری] که بنده‌اش [محمد] را شبانگاه از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامونش

را برکت داده‌ایم - سیر داد تا برخی از نشانه‌های [قدرت] خویش را به او بنمایانیم. بی‌تردید، او همان شنوای بیناست). [الإسراء: ۱].

و به تواتر از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل شده است که ایشان به آسمان‌ها عروج نمود و درهای آن برای او باز شد تا از آسمان هفتم گذشت، و پروردگارش سبحانه و تعالی سخنانی که اراده نمود با وی گفت، و نمازهای پنجگانه را بر او فرض نمود. و الله سبحانه و تعالی ابتدا پنجاه نماز را فرض کرده بود، و پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم همچنان به او مراجعه می‌کرد و درخواست تخفیف می‌نمود، تا اینکه آنها را پنج نماز قرار داد، و نمازهای فرض پنجگانه شد اما در اجر و پاداش پنجاه پاداش دارند؛ زیرا برای هر نیکی ده برابر آن نوشته می‌شود. پس خدای را بر تمامی نعمت‌هایش سپاس می‌گوییم.

و این شبی که اسراء و معراج در آن رخ داده است، در احادیث صحیح مشخص نشده است که در رجب بوده یا در ماهی دیگر، و هر آنچه در تعیین این شب آمده نزد علمای حدیث ثابت نیست، و پروردگار در اینکه این شب را از یاد مردم برده حکمتی آشکار دارد،

و حتی اگر تعیین آن ثابت می‌شد، باز هم جایز نبود که مسلمانان آن را به عبادتی ویژه اختصاص دهند و جایز نبود که آن را جشن بگیرند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم و اصحابشان رضی الله عنهم آن را جشن نگرفتند و به چیزی اختصاص ندادند، اگر جشن گرفتن این شب امری مشروع بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم - یا با گفتار یا با کردار - آن را برای امت بیان می‌کردند؛ و اگر چنین چیزی رخ داده بود، شناخته و مشهور می‌شد و صحابه رضی الله عنهم آن را به ما منتقل می‌کردند، زیرا آنها از پیامبرشان صلی الله علیه و سلم هر چیزی را که امت به آن نیاز داشت نقل کرده‌اند و در هیچ چیزی از امر دین کوتاهی نکرده‌اند، بلکه آنها در هر خیری پیشگام هستند.

بنابراین اگر جشن گرفتن این شب مشروع بود، آنها در این زمینه از همه پیشی می‌گرفتند. پیامبر صلی الله علیه و سلم خیرخواه‌ترین مردم برای مردم است و رسالت را به بهترین وجه ابلاغ کرد و امانت را ادا نمود. اگر بزرگداشت و جشن گرفتن این شب از دین خدا بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم آن را نادیده نمی‌گرفت و پنهان نمی‌کرد. پس وقتی که چیزی از این قبیل رخ نداده است، معلوم می‌شود که

جشن گرفتن و بزرگداشت آن از اسلام نیست. خداوند دین این امت را کامل کرده و نعمت خود را بر آنها به اتمام رسانده و کار کسانی را که در دین چیزی را تشریح می کنند که خداوند به آن اجازه نداده، انکار کرده است، چنانکه سبحانه و تعالی در کتاب مبین خود فرموده است:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

یعنی: (امروز دین تان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان بهترین] دین برای تان برگزیدم). [مائده: ۳]، و الله متعال می فرماید:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ وَوَلَّآ كَلِمَةَ الْفَصْلِ لِقُضَىٰ بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۱﴾﴾

یعنی: (آیا [مشرکان] معبودانی دارند که بدون اجازه الله، [قوانین] دینی برایشان مقرر کرده اند؟ اگر حکم قطعی [برای مهلت دادن به گناهکاران] در میان نبود، [بی درنگ] میانشان داوری

می‌شد؛ و ستمکاران عذابی دردناک [در پیش] دارند).

[الشوری: ۲۱].

در احادیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم هشدار دربارهٔ بدعت‌ها و تصریح به اینکه آن‌ها گمراهی هستند وارد شده و این برای آگاه سازی امت نسبت به خطر بزرگ این بدعت‌ها و برحذر داشتن آنان از ارتکاب آن‌هاست، از جمله: آنچه در صحیحین از عائشه رضی الله عنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ؛ فَهُوَ رَدٌّ»، یعنی: «هر که در این امر ما چیزی را نو بیاورد که از آن نیست، آن [کار] مردود است».

و در روایت مسلم آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا؛ فَهُوَ رَدٌّ»، یعنی: «هر کس کاری کند که امر ما بر آن نیست؛ پس آن کار مردود است».

و در صحیح مسلم از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه‌اش در روز جمعه می‌فرمود:

«أَمَّا بَعْدَ، فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَخَيْرَ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ ﷺ، وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»، یعنی: «امابعد [بدانید که] بهترین سخن کتاب الله است، و بهترین هدیه هدیه محمد صلی الله علیه وسلم است و بدترین امور، امور نوساخته است و هر بدعتی گمراهی است». نسائی با سندی خوب می افزاید: «وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ»، یعنی: «و هر گمراهی در آتش است».

و در سنن از عِرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را موعظه ای بلیغ نمود که دلها از آن ترسان شدند و چشمان اشکبار گردیدند، پس گفتیم: یا رسول الله! گویی این موعظه وداع است، پس ما را توصیه ای کن.

ایشان فرمود: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسِيرَىٰ اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي، تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»، یعنی: «شما را به تقوای الله و گوش سپردن و اطاعت کردن توصیه می کنم، حتی اگر [امیرتان] برده ای باشد؛ زیرا هرکس از شما

که زندگی کند، اختلافات زیادی را خواهد دید؛ پس سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده را بر خود لازم گرفته و با بُن دندان آن را بگیرد و از امور نوپیدا برحذر باشید، زیرا هر نوپیدایی [در دین] بدعت است و هر بدعتی گمراهی است».

و احادیث در این معنا فراوان است.

و از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم و از سلف صالح بعد از آنها ثابت شده است که نسبت به این بدعت‌ها هشدار داده‌اند؛ و این به این دلیل است که بدعت افزوده‌ای در دین است و شریعتی است که خداوند به آن اجازه نداده است، و تشبه به دشمنان خدا از یهود و نصاری در افزودن به دین‌شان و نوآوری در آن است که خداوند به آن اجازه نداده است، زیرا لازمه آن کاستن از دین اسلام و متهم کردن آن به عدم کمال است، و معلوم است که در این امر فساد عظیم و منکر شنیع و مخالفت با قول خداوند جل جلاله وجود دارد:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...﴾

یعنی: (امروز دینتان را برایتان کامل ساختم). [مأئده: ۳]، و همچنین مخالفت آشکار با احادیث رسول علیه الصلاة والسلام که از بدعت‌ها هشدار داده و از آن‌ها برحذر داشته است.

امیدوارم آنچه از ادله ذکر کردیم برای قانع کردن طالب حق در انکار این بدعت، یعنی بدعت جشن گرفتن شب اسراء و معراج و هشدار درباره آن و اینکه ارتباطی به اسلام ندارد کافی باشد.

و به دلیل وجوب خیرخواهی برای مسلمانان و بیان آنچه الله از دین برای آنان تشریح کرده و حرام بودن کتمان علم، مناسب دیدم که برادران مسلمانم را نسبت به این بدعت که در بسیاری از سرزمین‌ها شیوع یافته و برخی از مردم آن را جزئی از دین پنداشته‌اند، آگاه کنم.

از الله خواهیم که احوال همه مسلمانان را اصلاح کند و به آنان فقه در دین عطا فرماید و ما و ایشان را برای تمسک به حق و ثبات بر آن و ترک آنچه مخالف آن است توفیق دهد؛ همانا او ولی این امر و قادر بر آن است.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، پیامبرمان محمد  
و آل و اصحابشان باد.

\*\*\*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه هفتم:

## حکم جشن گرفتن شب نیمه شعبان

ستایش از آن الله است که دین را برای ما کامل کرد و نعمت را بر ما تمام نمود و درود و سلام بر پیامبر و فرستاده او محمد، پیامبر توبه و رحمت.

اما بعد: الله تعالی می فرماید:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي  
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

یعنی: (امروز دین تان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان بهترین] دین برای تان برگزیدم). [مائده: ۳]، و الله متعال می فرماید:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ...﴾

یعنی: (آیا [مشرکان] معبودانی دارند که بدون اجازه الله،

[قوانین] دینی برای شان مقرر کرده اند؟ [الشوری: ۲۱].

و در صحیحین از عایشه رضی الله عنها روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ؛ فَهُوَ رَدٌّ»، یعنی: «هر که در این امر ما چیزی را نو بیاورد که از آن نیست، آن [کار] مردود است».

و در صحیح مسلم از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در خطبه جمعه می فرمودند: «أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَخَيْرَ الْهَدْيِ هَدْيِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَشَرَّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلَّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»، یعنی: «اما بعد [بدانید که] بهترین سخن کتاب الله است، و بهترین رهنمود، رهنمود محمد صلی الله علیه وسلم است، و بدترین امور، امور نوساخته است، و هر بدعتی گمراهی است»؛ آیات و احادیث در این معنا بسیارند و به وضوح دلالت دارند بر اینکه الله سبحانه و تعالی دین این امت را کامل کرده و نعمت خود را بر آنها تمام نموده است، و پیامبرش علیه

الصلاة والسلام را از دنیا نبرد مگر پس از آنکه پیام اسلام را به روشنی ابلاغ کرد و هر گفتار و کرداری که خداوند برای امت مقرر کرده بود، را بیان نمود. پیامبر صلی الله علیه وسلم به وضوح بیان کرده‌اند که هر آنچه مردم از اقوال یا اعمال پس از او ایجاد کنند و به دین اسلام نسبت دهند، همه بدعتی است که به ایجادکننده‌اش بازگردانده می‌شود، حتی اگر نیت او نیکو باشد. این امر را اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم به خوبی درک کرده‌اند و همچنین علمای مسلمان پس از آنان، بدعت‌ها را انکار کرده و از آنها برحذر داشته‌اند؛ چنانکه علمایی مانند ابن وضاح و طرطوشی و ابوشامه و دیگران که درباره بزرگداشت سنت و انکار بدعت نوشته‌اند، بیان کرده‌اند.

از جمله بدعت‌هایی که برخی از مردم ایجاد کرده‌اند: بدعت جشن گرفتن شب نیمه شعبان و اختصاص دادن روز آن برای روزه است، حال آنکه دلیلی که بتوان بر آن تکیه کرد در این باره وجود ندارد، و احادیثی که در فضیلت آن وارد شده ضعیف هستند و استناد

به آن درست نیست.

اما آنچه در فضیلت نماز در آن وارد شده؛ همه ساختگی است، چنانکه بسیاری از اهل علم به آن اشاره کرده‌اند، و برخی از سخنانشان ان شاء الله ذکر خواهد شد.

در این باره نیز آثاری از برخی از سلف اهل شام و دیگران نقل شده است.

آنچه جمهور علما بر آن اجماع دارند این است که جشن گرفتن این مناسبت بدعت است و احادیثی که در فضیلت آن وارد شده همه ضعیف و برخی موضوع است. از جمله کسانی که به این موضوع اشاره کرده‌اند، حافظ ابن رجب در کتابش «لطائف المعارف» و علمای دیگر هستند. واضح است که احادیث ضعیف تنها در عباداتی به کار می‌روند که اصل آنها با دلایل صحیح ثابت شده باشد. اما جشن گرفتن شب نیمه شعبان، اصل صحیحی ندارد تا برای آن به احادیث ضعیف استناد شود. این قاعده جلیل را امام ابو العباس شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله ذکر کرده است.

من آنچه را که برخی از اهل علم در این مسئله گفته‌اند برای

نقل می‌کنم تا در این باره آگاهی یابی.

علما رحمهم الله اجماع کرده‌اند که واجب است مسائل مورد اختلاف مردم به کتاب الله جل جلاله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بازگردانده شود، و آنچه که این دو یا یکی از آنها حکم کرده‌اند، همان شریعت واجب الاتباع است و آنچه مخالف آنها باشد باید کنار گذاشته شود، و هر عبادتی که در این دو نیامده بدعتی است که انجام آن جایز نیست، چه رسد به دعوت به آن و تشویق به آن. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾﴾

یعنی: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله و پیامبر و کارگزاران [و فرماندهان مسلمان] خود اطاعت کنید و اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به [کتاب] الله و [سنت] پیامبر بازگردانید. اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید، [یقین داشته باشید که] این [بازگشت به

قرآن و سنت، برایتان] بهتر و خوش فرجام‌تر است). [النساء: ۵۹].

و الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ...﴾

(ای مردم] هر اختلافی بین شماست، داوری‌اش با الله است).

[الشوری: ۱۰] و الله متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...﴾

یعنی: (ای پیامبر] بگو: اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد؛ و الله آمرزنده مهربان است). [آل عمران: ۳۱] و الله متعال می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

یعنی: (نه؛ سوگند به پروردگارت [ای محمد] که آنان ایمان نمی‌آورند مگر اینکه در اختلافاتشان تو را داور قرار دهند و از داوری

تو در دلِ خویش احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم [حکم تو] باشند). [النساء: ۶۵]. آیات در این معنا بسیار است، و این تصریحی است بر وجوب ارجاع مسائل مورد اختلاف به قرآن و سنت، و وجوب رضایت به حکم آن‌ها، و اینکه این عمل از لوازم ایمان بوده و برای دنیا و آخرت بندگان بهتر است و نیکوترین تأویل به‌شمار می‌آید: یعنی بهترین فرجام.

حافظ ابن رجب رحمه الله در کتابش «لطائف المعارف» پس از ذکر مطلب پیشین چنین می‌گوید:

شب نیمه شعبان را تابعین اهل شام؛ مانند خالد بن معدان، مکحول، لقمان بن عامر و دیگران بزرگ می‌داشتند و می‌کوشیدند در آن به عبادت پردازند، و مردم فضیلت و بزرگداشت آن را از ایشان گرفتند. و گفته شده است که در این باره به آنها روایاتی از بنی‌اسرائیل رسیده است. وقتی این موضوع از سوی آنان در سرزمین‌ها شهرت یافت، مردم در این باره اختلاف کردند؛ برخی از آنها این را پذیرفتند و با بزرگداشت آن موافقت کردند، از جمله

گروهی از عابدان اهل بصره و دیگران. اما بیشتر علمای حجاز این را منکر دانسته و رد کرده‌اند، از جمله: عطاء و ابن ابی ملیکه، و عبدالرحمن بن زید بن اسلم این را از فقهای اهل مدینه نقل کرده است، و این قول اصحاب مالک و دیگران است، و گفته‌اند: همه این‌ها بدعت است.

علمای اهل شام درباره چگونگی احیای آن دو نظر دارند:

نظر نخست این است که احیای آن به جماعت در مساجد مستحب است. خالد بن معدان و لقمان بن عامر و دیگران در آن شب بهترین لباس‌های خود را می‌پوشیدند، بخور استعمال می‌کردند و سرمه می‌کشیدند و آن شب را در مسجد به قیام می‌پرداختند، و اسحاق بن راهویه نیز با آنها در این امر موافق بود. و درباره برپایی آن به صورت جماعت در مساجد فرمود: این بدعت نیست، و حرب کرمانی در کتاب «مسائل» خود آن را نقل کرده است.

و نظر دوم این است که: گردهم‌آیی در مسجد در این شب برای نماز و قصه‌گویی و دعا مکروه بوده، اما اینکه شخصی در این شب به صورت فردی در مسجد نماز بخواند مکروه نیست. این نظر

اوزاعی، امام اهل شام و فقیه و دانشمند آنها است و این ان شاء الله تعالی نزدیکترین نظر به صواب است. تا آنجا که می گوید: «از امام احمد سخنی درباره شب نیمه شعبان شناخته نشده است، و درباره استحباب قیام آن از ایشان دو روایت درباره مستحب بودن قیام شب دو عید آمده که [در یک روایت] قیام آن را به جماعت مستحب ندانسته زیرا چنین کاری از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نشده است. [در روایت دیگر] آن را مستحب دانسته‌اند، به دلیل عملکرد عبدالرحمن بن یزید بن اسود که از تابعین بود، و معتقد بود که قیام شب نیمه شعبان نیز اینگونه است، در مورد آن روایتی از پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش ثابت نشده، اما از گروهی از تابعین که از فقیهان برجسته اهل شام بودند، ثابت شده است.

پایان مقصود از سخن حافظ ابن رجب رحمه الله، و در آن تصریح شده که در مورد شب نیمه شعبان، هیچ چیزی از پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش رضی الله عنهم ثابت نشده است.

اما آنچه که اوزاعی رحمه الله از استحباب قیام آن برای افراد اختیار کرده و حافظ ابن رجب نیز این قول را برگزیده، غریب و

ضعیف است؛ زیرا هر چیزی که مشروعیت آن با ادله شرعی ثابت نشده باشد، جایز نیست که مسلمان آن را در دین الله ایجاد کند، چه به صورت فردی یا در جماعت و چه به صورت پنهان یا آشکار؛ به دلیل عموم سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا؛ فَهُوَ رَدٌّ»، یعنی: «هر کس کاری کند که امر ما بر آن نیست؛ پس آن کار مردود است». و دیگر ادله‌ای که دلالت بر انکار بدعت‌ها و هشدار درباره آن‌ها دارد.

امام ابوبکر طرطوشی رحمه الله در کتاب خود «الحوادث والبدع» چنین می‌گوید:

ابن وضاح از زید بن اسلم روایت کرده است که: «هیچ یک از مشایخ و فقهایمان را ندیدیم که به نیمه شعبان توجه کنند و یا به حدیث مکحول توجه نمایند و برای آن فضیلتی بر دیگر روزها قائل باشند».

به ابن ابی ملیکه گفته شد که زیاد نمیری می‌گوید: «پاداش شب نیمه شعبان مانند پاداش شب قدر است». گفت: «اگر این سخن را از او می‌شنیدم درحالی‌که عصا در دستم بود، او را می‌زدم». زیاد

قصاص (بسیار داستان سرا) بود، پایان مقصود.

و علامه شوکانی رحمه الله در کتاب «الفوائد المجموعة» می گوید:

«حدیث: «ای علی، کسی که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بخواند و در هر رکعت سوره فاتحه و قل هو الله أحد را ده بار بخواند، الله هر حاجتی را برای او برآورده خواهد کرد» تا پایان حدیث، این حدیث جعلی و ساختگی است و با توجه به الفاظ آن که به صراحت بیان می کند فاعل آن چه ثوابی می برد، هیچ انسان صاحب تشخیصی در ساختگی بودن آن تردید نمی کند. راویان آن نیز ناشناخته اند و از طریق دوم و سوم نیز روایت شده که همه ساختگی و راویان آن همه افراد ناشناس هستند. و در «المختصر» می گوید: حدیث نماز نیمه شعبان باطل است و روایتی که ابن حبان از علی آورده است: «وقتی شب نیمه شعبان فرا رسید، شب آن را به نماز بایستید و روز آن را روزه بگیرید»، ضعیف است. و در «اللآلی» آمده است: «صد رکعت در نیمه شعبان با خواندن ده مرتبه سوره اخلاص» و فضیلت طولانی آن که دیلمی و دیگران روایت

کرده‌اند ساختگی است، و بیشتر راویان آن در سه طریقی که نقل شده ناشناخته و ضعیف هستند، گفت: «و دوازده رکعت با سی بار [خواندن سوره] اخلاص» ساختگی است، «و چهارده رکعت» [نیز] جعلی است.

و گروهی از فقها مانند غزالی و دیگران و همچنین برخی از مفسران به این حدیث فریفته شده‌اند؛ درحالی‌که نماز این شب - یعنی شب نیمه شعبان - به شیوه‌های مختلفی روایت شده که همگی باطل و ساختگی هستند. و این با روایت ترمذی از عایشه رضی الله عنها درباره رفتن پیامبر صلی الله علیه وسلم به بقیع و نزول پروردگار در شب نیمه شعبان به آسمان دنیا و اینکه او بیش از تعداد موه‌های گوسفندان قبیله کلب، بندگانش را می‌آمرزد منافاتی ندارد، زیرا سخن اینجا درباره این نماز ساختگی در این شب است. بر این اساس، حدیث عایشه دارای ضعف و انقطاع است، همانطور که حدیث علی که بیشتر در مبحث قیام شب آن ذکر شد، با ساختگی بودن این نماز منافاتی ندارد، با توجه به ضعفی که ذکر کردیم» پایان مقصود.

و حافظ عراقی می‌گوید: «حدیث نماز شب نیمه شعبان ساختگی است و به دروغ به رسول الله صلی الله علیه وسلم نسبت داده شده است». امام نووی در کتاب «المجموع» می‌گوید: «نماز معروف به نماز رغائب که دوازده رکعت است و بین مغرب و عشاء در اولین شب جمعه رجب ادا می‌شود، و نماز شب نیمه شعبان که صد رکعت است، این دو نماز بدعت‌هایی ناپسند هستند و نباید فریب ذکر آنها در کتاب «قوت القلوب» و «احیاء علوم الدین» و یا فریب حدیثی که در این باره آمده است را خورد، زیرا همه آنها باطل است و نباید فریب این را خورد که برخی از ائمه که حکم این عبادات بر ایشان مشتبه شده برگه‌هایی در استحباب آنها نوشته‌اند، زیرا آنها در این باره اشتباه کرده‌اند».

شیخ امام، ابومحمد، عبدالرحمن بن اسماعیل مقدسی کتابی نفیس درباره ابطال این دو نماز نگاشته، و در آن به نیکی به این بحث پرداخته است. سخنان علما در این مسئله بسیار زیاد است و اگر خواهیم هر آنچه در این زمینه دیده‌ایم را نقل کنیم، سخن به درازا خواهد کشید. و شاید آنچه ذکر کردیم برای قانع کردن طالب حق

کافی باشد.

بنابر آنچه از آیات و احادیث و سخنان اهل علم گذشت، برای جوینده حقیقت روشن می‌شود که جشن گرفتن شب نیمه شعبان با نماز یا غیر آن، و اختصاص دادن روز آن به روزه نزد بیشتر اهل علم بدعتی ناپسند است، و در شرع مطهر اصلی ندارد، بلکه از اموری است که پس از دوران صحابه رضی الله عنهم در اسلام پدید آمده و برای جوینده حقیقت در این باب و غیر آن، این سخن خداوند جل جلاله کافی است:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...﴾

یعنی: (امروز دینتان را برایتان کامل ساختم). [المائدة: ۳].

و همچنین آیات دیگری که در این معنا آمده است. سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»، یعنی: «هر که در این امر ما چیزی را نو بیاورد که از آن نیست، آن [کار] مردود است». و احادیثی که در معنای آن وارد شده است.

و در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که

گفت: رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: «لَا تَخْصُوا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بِقِيَامٍ مِنْ بَيْنِ اللَّيَالِي، وَلَا تَخْصُوا يَوْمَهَا بِالصَّيَامِ مِنْ بَيْنِ الْأَيَّامِ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي صَوْمٍ يَصُومُهُ أَحَدُكُمْ»، یعنی: «شب جمعه را از میان شب‌ها به قیام اختصاص ندهید و روز آن را از میان روزها به روزه اختصاص ندهید، مگر اینکه در روزه‌ای باشد که یکی از شما آن را می‌گیرد». اگر تخصیص شبی از شب‌ها به عبادتی جایز بود، شب جمعه از دیگر شب‌ها سزاوارتر بود؛ زیرا روز آن بهترین روزی است که خورشید بر آن طلوع کرده است، به نص احادیث صحیح از رسول الله صلى الله عليه وسلم. پس هنگامی که پیامبر صلى الله عليه وسلم از تخصیص آن شب به قیام در میان شب‌ها هشدار دادند، این دلالت دارد که تخصیص شب‌های دیگر به عبادتی خاص به طریق اولی جایز نیست، مگر با دلیلی صحیح که بر تخصیص دلالت کند.

و چون شب قدر و شب‌های رمضان مشروع است که با قیام و تلاش در آن‌ها عبادت شود، پیامبر صلى الله عليه وسلم بر این امر تأکید کرده و امت را به قیام در آن‌ها تشویق نمودند و خود نیز چنین کردند، چنان‌که در صحیحین از پیامبر صلى الله عليه وسلم آمده

است که فرمودند: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ، وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»، یعنی: «هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان و برای کسب پاداش آن به نماز ایستد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شوند و هرکس شب قدر را با ایمان و برای کسب پاداش آن [به عبادت] قیام کند، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود». اگر شب گرامی داشت نیمه شعبان، یا شب اولین جمعه ماه رجب یا شب اسراء و معراج با اختصاص عبادت در آن جایز بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم امت را به آن راهنمایی می‌کردند یا خودشان آن را انجام می‌دادند و اگر چیزی از این قبیل رخ داده بود، صحابه رضی الله عنهم آن را به امت منتقل می‌کردند و از آنها پنهان نمی‌کردند، زیرا آنها بهترین مردم و خیرخواه‌ترین مردم پس از پیامبران علیهم الصلاة والسلام هستند. خداوند از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم راضی باشد و آنها را بخشنود سازد.

و پیش‌تر از سخنان علما دانستی که چیزی از رسول الله صلی الله علیه وسلم و نه از اصحاب ایشان رضی الله عنهم درباره فضیلت شب

اولین جمعهٔ رجب و شب نیمهٔ شعبان ثابت نشده است، پس دانسته شد که جشن گرفتن آنها بدعتی نوظهور در اسلام است و به همین ترتیب اختصاص دادن آنها به هرگونه عبادت، بدعتی ناپسند است، و به همین ترتیب شب بیست و هفتم رجب که برخی از مردم گمان می‌کنند شب اسراء و معراج است، جایز نیست عبادتی ویژه به آن اختصاص یابد با اینکه جشن گرفته شود؛ بنابر ادلهٔ پیشین، این در صورتی است که وقت اسراء و معراج دانسته شود، حال آنکه بنا بر قول صحیح علما این شب شناخته شده نیست، و سخن کسی که گفته است: شب بیست و هفتم رجب است، سخنی باطل است که در احادیث صحیح هیچ اساسی ندارد، و چه خوب گفته آنکه گفت:

بهترین امور، امور پیشین بر هدایت است... و بدترین امور، امور نوپیدای بدعت‌آمیز است

از الله خواهیم که ما و دیگر مسلمانان را به تمسک به سنت و پایداری بر آن و بر حذر بودن از آنچه مخالف آن است توفیق دهد، همانا او بخشنده و گرامی است.

و درود و سلام الله بر بنده و رسولش، پیامبر ما محمد و بر آل و  
اصحابشان باد.

\*\*\*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامه هشتم:

## تذکر مهم درباره دروغ بودن وصیت منسوب به

شیخ احمد، خادم حرم نبوی شریف

از عبدالعزیز بن عبدالله بن باز به کسانی که از مسلمانان این را می‌خوانند، خداوند آنها را با اسلام حفظ کند، و ما و آنها را از شر دروغ‌های انسان‌های نادان پناه دهد، آمین.

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

اما بعد: از پیام منسوب به شیخ احمد خادم حرم نبوی شریف با عنوان: «این وصیتی است از مدینه منوره از شیخ احمد خادم حرم نبوی شریف» اطلاع یافتم، که در آن آمده بود:

«شب جمعه بیدار بودم و قرآن کریم را تلاوت می‌کردم، و پس از تلاوت اسماء الله الحسنی، چون از آن فارغ شدم، برای خواب آماده شدم. در خواب صاحب سیمای نورانی، رسول الله صلی الله

علیه وسلم را دیدم که آیات قرآن و احکام شریفه را آورده است؛ آن رحمت برای جهانیان، سرور ما محمد صلی الله علیه وسلم، فرمود: ای شیخ احمد! گفتم: لیبیک یا رسول الله، ای گرامی ترین خلق الله! به من گفت: از اعمال زشت مردم شرمندهام و نتوانستم با پروردگارم و فرشتگان روبرو شوم؛ زیرا از جمعه تا جمعه، صد و شصت هزار نفر بر غیر دین اسلام مردند، سپس برخی از گناھانی که مردم در آن گرفتار شده اند را ذکر کرد. سپس فرمود: و این وصیت، رحمتی است از جانب خداوند عزیز جبار نسبت به آنان. سپس برخی از نشانه های قیامت را ذکر کرد، تا اینکه گفت: ای شیخ احمد، این وصیت را به آنان خبر بده؛ زیرا که به قلم تقدیر از لوح محفوظ نقل شده است، و هرکس آن را بنویسد و از شهری به شهری، یا از محلی به محلی بفرستد؛ قصری در بهشت برای او ساخته می شود و هرکس آن را بنویسد و نفرستد، شفاعت من در روز قیامت بر او حرام می شود. و هر کس آن را بنویسد و نیازمند باشد، خداوند او را بی نیاز می کند، یا اگر بدهکار باشد، خداوند قرض او را می پردازد، یا اگر گناھی بر او باشد، خداوند به برکت این وصیت او و والدینش را می بخشد. و هرکس از بندگان الله آن را بنویسد، روی او در دنیا و

آخرت سیاه خواهد شد، و گفت: به خدای بزرگ سه بار قسم می‌خورم که این حقیقت است و اگر دروغگو باشم درحالی از دنیا بروم که مسلمان نیستم، و کسی که به آن ایمان بیاورد از عذاب دوزخ نجات می‌یابد، و کسی که آن را تکذیب کند کافر می‌شود».

این خلاصه‌ای است از وصیت دروغینی که به رسول الله صلی الله علیه وسلم نسبت داده شده است، و ما این وصیت دروغین را بارها و بارها در طول سال‌های متعدد شنیده‌ایم که هر از گاهی در میان مردم منتشر می‌شود و در میان بسیاری از عوام با الفاظ متفاوت ترویج می‌گردد. و دروغگویی که این داستان را ساخته می‌گوید: او پیامبر صلی الله علیه وسلم را در خواب دیده است و این وصیت را به او سپرده است، و ای خواننده گرامی در این داستان اخیر که برای ذکر کردیم، این انسان دروغگو ادعا کرده که هنگامی که برای خواب آماده می‌شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیده، پس معنایش این است که او را در بیداری دیده است!

این دروغگو در این وصیت ادعاهای بسیاری کرده است که از روشن‌ترین دروغ‌ها و آشکارترین باطل‌هاست. به زودی در این

سخنان کوتاه، ان شاء الله، شما را متوجه آن خواهم ساخت. در سال‌های گذشته نیز درباره آن تذکر داده‌ام و برای مردم روشن کرده‌ام که این از واضح‌ترین دروغ‌ها و آشکارترین باطل‌ها هستند. وقتی به این نوشته پخش شده اخیر نگاه کردم، به دلیل آشکار بودن بطلان آن و جسارت بزرگ این دروغگو بر دروغ‌گویی، برای نوشتن درباره آن تردید داشتم و گمان نمی‌کردم که بطلان آن بر کسی که کمترین بصیرت یا فطرت سالمی دارد، پنهان بماند. اما بسیاری از برادران به من خبر دادند که این موضوع در میان بسیاری از مردم رواج یافته و بین آن‌ها دست به دست می‌شود و برخی آن را باور کرده‌اند؛ به همین دلیل دیدم که بر امثال من واجب است که درباره آن بنویسیم تا بطلان آن را روشن کنم و بیان کنم که این موضوع دروغی بر رسول الله صلی الله علیه وسلم است تا هیچ کس فریب آن را نخورد. و هرکس بهره‌ای از علم و ایمان داشته باشد و یا صاحبان فطرت سلیم و عقل صحیح در آن تأمل کنند، خواهند دانست که این از جهات بسیاری دروغ و افترا است.

از برخی از نزدیکان شیخ احمد که این متن دروغین به او نسبت

داده شده، دربارهٔ این وصیت پرسیدم، به من پاسخ دادند: که این وصیت به دروغ به شیخ احمد نسبت داده شده و او اصلاً چنین چیزی نگفته است. شیخ احمد که از وی نام برده شده مدتی است که فوت کرده است، و اگر فرض کنیم که شیخ احمد یاد شده، یا کسی بزرگتر از او، ادعا کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم را در خواب یا بیداری دیده و او را به این وصیت سفارش کرده است، به یقین می‌دانیم که او دروغگو است، یا آنکه کسی که این را به او گفته شیطان بوده است، نه رسول صلی الله علیه وسلم به دلایل بسیاری از جمله:

اولاً: پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از وفاتشان در بیداری دیده نمی‌شود، و هر کس از جاهلان صوفیه ادعا کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم را در بیداری می‌بیند، یا ادعا کند که ایشان در مراسم مولود حاضر می‌شود، یا چیزی شبیه به آن، به بدترین شکل ممکن اشتباه کرده و به نهایت فریب دچار شده و در خطای بزرگی افتاده است و با کتاب و سنت و اجماع اهل علم مخالفت کرده است؛ زیرا مردگان تنها در روز قیامت از قبرهایشان خارج می‌شوند نه در دنیا. و

هرکس خلاف آن بگوید، دروغگویی آشکار است یا دچار اشتباه شده و فریب خورده است و حق را که سلف صالح و اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم و پیروان نیکوکارشان بر آن بودند، نشناخته است؛ الله تعالی می فرماید:

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾﴾

(سپس شما بعد از آن قطعاً خواهید مرد \* آنگاه شما در روز رستاخیز برانگیخته خواهید شد).

آنگاه بی تردید، در روز قیامت برانگیخته می شوید. [مؤمنون: ۱۵-۱۶]. و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «أَنَا أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ»، یعنی: «من نخستین کسی هستم که زمین در روز قیامت برای او شکافته می شود و اولین کسی که شفاعت می کند و اولین کسی که شفاعتش پذیرفته خواهد شد». آیات و احادیث در این معنا بسیار است.

ثانیاً: پیامبر صلی الله علیه وسلم خلاف حق نمی گوید، نه در

زندگی اش و نه پس از وفاتش، و این وصیت به وضوح در مخالفت با شریعت اوست، و این مخالفت - همان طور که خواهد آمد - از جهات بسیاری است و ایشان صلی الله علیه وسلم ممکن است در خواب دیده شود، و هر کس او را در خواب بر صورت شریفش ببیند، او را دیده است؛ زیرا شیطان نمی تواند به صورت او درآید، چنانکه در حدیث صحیح شریف آمده است، اما مسئله اصلی در ایمان بیننده و صداقت و عدالت و دقت و دیانت و امانت اوست، و اینکه آیا پیامبر صلی الله علیه وسلم را بر صورت ایشان دیده یا به صورت دیگری.

اگر حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در زمان حیات ایشان نقل شده باشد، اگر از طریق راویان بااعتماد و عادل و ضابط نباشد، بر آن اعتماد نمی شود و به آن احتجاج نمی شود. یا اگر از طریق راویان بااعتماد و ضابط باشد، اما با روایت کسی که از آنها حفظ واعتماد بیشتری دارد مخالفت کند، به گونه ای که جمع بین دو روایت ممکن نباشد، یکی از آنها منسوخ است و به آن عمل نمی شود و دیگری ناسخ است و به آن عمل می شود، البته در صورتی که این

با شروطی که دارد امکان پذیر باشد. اما اگر جمع و نسخ ممکن نباشد، واجب است که روایت کسی که حافظه و عدالت کمتری دارد کنار گذاشته شود و بر آن حکم شود که شاذ است و به آن عمل نمی‌شود.

پس چگونه است وصیتی که ناقل آن شناخته شده نیست و عدالت و امانت او ناشناخته است. در چنین حالتی سزاوار است که کنار گذاشته شود و به آن توجهی نشود، حتی اگر در آن چیزی مخالف شریعت نباشد، چه رسد به اینکه وصیت مورد نظر شامل امور زیادی باشد که بر بطلان آن دلالت کند و در آن به پیامبر صلی الله علیه وسلم دروغ نسبت داده شده باشد و متضمن تشریح دینی باشد که خداوند به آن اجازه نداده است؟!!

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «مَنْ قَالَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَقُلْ؛ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»، یعنی: «کسی که چیزی را به من نسبت دهد که نگفتم، باید جایگاه خود را در آتش مهیا سازد». و جعل کننده این وصیت به رسول الله صلی الله علیه وسلم سخنانی نسبت داده که او نگفته است و به او دروغی صریح و خطرناک بسته است، پس

چقدر سزاوار این وعید بزرگ است و چقدر شایسته این وعید است اگر توبه نکند و دروغ بودن نسبت این وصیت به رسول الله صلی الله علیه وسلم را به مردم اعلام نکند؛ زیرا کسی که باطلی را در میان مردم منتشر کند و آن را به دین نسبت دهد، توبه اش صحیح نمی شود مگر با اعلام و اظهار آن؛ تا مردم از بازگشت او از دروغش و تکذیب خودش آگاه شوند؛ چنانکه خداوند جل جلاله می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾﴾

یعنی: (کسانی که دلایل روشن و هدایتی را که نازل کرده ایم - پس از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم - پنهان می دارند، الله آنان را لعنت می کند و لعنت کنندگان [اعم از فرشتگان و مؤمنان نیز] آنان را لعنت می کنند \* مگر کسانی که توبه کنند و [کارهای ناشایست خود را] اصلاح نمایند و [حقیقت را] آشکار سازند؛ اینان

هستند که توبه‌شان را می‌پذیرم و من توبه‌پذیرِ مهربانم). [بقره: ۱۵۹، ۱۶۰]. خداوند متعال در این آیه کریمه بیان می‌فرماید که هر کس چیزی از حق را پنهان کند، توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود مگر پس از اصلاح و بیان آن. الله متعال دین را برای بندگانش کامل کرده و نعمت را با بعثت پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم و آنچه از شریعت کامل به او وحی کرده، بر آنها تمام نموده است و او را به سوی خود نخواند مگر پس از اتمام و بیان، چنانکه الله جل جلاله می‌فرماید:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي  
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

یعنی: (امروز دین تان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان بهترین] دین برای تان برگزیدم). [مائده: ۳]

و جعل کننده این وصیت‌نامه در قرن چهاردهم آمده است و می‌خواهد دینی جدید برای مردم بیاورد که بر اساس آن ورود به بهشت برای کسی که به شریعت او عمل کند و محرومیت از بهشت

و ورود به آتش برای کسی که به شریعت او عمل نکند، مترتب می‌شود. و می‌خواهد این وصیتی را که به دروغ ساخته است، بزرگتر و بهتر از قرآن جلوه دهد، به طوری که در آن افترا بسته است: هرکس آن را بنویسد و از شهری به شهری، یا از محلی به محلی بفرستد؛ قصری در بهشت برای او ساخته می‌شود و هرکس آن را ننویسد و نفرستد، شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز قیامت بر او حرام می‌شود. و این از زشت‌ترین دروغ‌ها و از روشن‌ترین ادله بر دروغ بودن این وصیت و کم‌حیایی سازنده دروغ‌پرداز آن و جرأت بزرگ او در دروغ‌گویی است؛ زیرا کسی که قرآن کریم را نوشته و از شهری به شهر دیگر یا از مکانی به مکان دیگر فرستاده است، اگر به قرآن کریم عمل نکند، این فضیلت را به دست نمی‌آورد، پس چگونه نویسنده این دروغ و ناقل آن از شهری به شهر دیگر به این فضیلت دست یابد. و کسی که قرآن را ننوشته و آن را از شهری به شهری نفرستاده - اگر به آن ایمان داشته و از شریعت آن پیروی کند - از شفاعت پیامبر صلی الله علیه و سلم محروم نمی‌شود. همین یک تهمت در این وصیت، به تنهایی برای اثبات بطلان و دروغ ناشر آن، و وقاحت و حماقت و دوری او از شناخت هدایتی که رسول الله

صلی الله علیه و سلم آورده است، کافی است.

و در این وصیت - به جز آنچه ذکر شد - امور دیگری نیز وجود دارد که همگی بر بطلان و دروغ بودن آن دلالت می کنند، و اگر جعل کننده آن هزار قسم یا بیشتر بر صحت آن بخورد، و اگر بر خود بزرگ ترین عذاب و شدیدترین مجازات را بخواهد که راستگو است؛ راستگو نخواهد بود و ادعایش صحیح نخواهد بود، بلکه به خدا قسم و سپس به خدا قسم، سخنش از بزرگ ترین و زشت ترین باطل ها است، و ما خداوند سبحان و فرشتگانی که نزد ما حاضرند را گواه می گیریم، و هر مسلمانی که این نوشته را ببیند بداند که ما گواهی می دهیم - شهادتی که با آن به دیدار پروردگاران جل جلاله می رویم :- که این وصیت دروغ و افترا بی بر رسول الله صلی الله علیه و سلم است، خداوند کسی را که این دروغ را گفته خوار کند و با او به آنچه سزاوار است رفتار نماید.

و بر دروغ بودن و بطلان این وصیت، علاوه بر آنچه پیش تر ذکر شد، امور زیادی از متن آن دلالت دارد، از جمله:

امر اول: گفته ایشان در آن: «زیرا از جمعه تا جمعه صد و شصت

هزار نفر بر غیر دین اسلام مردند؛ زیرا این از امور غیبی است و پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از وفاتشان وحی از ایشان قطع شده است و در حیاتشان نیز غیب نمی دانستند، پس چگونه ممکن است پس از وفاتشان غیب بدانند؟ به دلیل سخن خداوند متعال:

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ...﴾

یعنی: (ای پیامبر، به مشرکان] بگو: من نمی گویم گنجینه های الله نزد من است و غیب [نیز] نمی دانم). [الأنعام: ۵۰]. و اینکه می فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ...﴾

یعنی: (بگو: کسانی که در آسمان ها و زمین هستند از غیب آگاه نیستند، مگر الله) [النمل: ۶۵]. و در حدیث صحیح آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يُذَادُ رِجَالٌ عَنْ حَوْضِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ! أَصْحَابِي أَصْحَابِي، فَيَقَالُ لِي: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ، فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ: ﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ طُ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

شَهِيدٌ﴾ [المائدة: ۱۱۷]»، یعنی: «در روز قیامت مردانی از حوض من دور می‌شوند، پس می‌گویم: پروردگارا! یاران من، یاران من! به من گفته می‌شود: تو نمی‌دانی پس از تو چه کردند. پس همان سخن بنده صالح خدا را می‌گویم: (و تا زمانی که در میان آنان به سر می‌بردم، بر [سخنان] آنان گواه بودم؛ و چون مرا [به سوی خویش] برگرفتی، تو خود مراقبشان بودی؛ و تو بر هر چیز گواهی) [المائدة: ۱۱۷]».

امر دوم: از امور دال بر بطلان این وصیت و اینکه دروغ است این گفتهٔ اوست که: هر کس آن را بنویسد و نیازمند باشد، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند، یا اگر بدهکار باشد، خداوند قرض او را می‌پردازد، یا اگر گناهی بر او باشد، خداوند به برکت این وصیت او و والدینش را می‌بخشد» و الی آخر. و این از بزرگ‌ترین دروغ‌ها و از روشن‌ترین دلایل بر دروغ‌گویی جعل‌کنندهٔ آن و کم‌حیایی او از خداوند و بندگانش است؛ زیرا این سه امر با صرف نوشتن قرآن کریم به دست نمی‌آید، پس چگونه برای کسی که این وصیت باطل را نوشته است حاصل می‌شود؟! این خبیث می‌خواهد مردم را فریب دهد و آنان را

به این وصیت وابسته کند؛ تا آن را بنویسند و به این فضیلت خیالی دل ببندند و از اسبابی که الله برای بندگانش مشروع کرده و آنها را وسیله‌ای برای رسیدن به غنا و ادای بدهکاری و مغفرت گناهان قرار داده، دوری کنند. پس به الله پناه می‌بریم از اسباب خذلان و پیروی از هوای نفس و شیطان.

سوم: از جمله اموری که بر بطلان این وصیت دلالت دارد گفته اوست که: «و هرکس از بندگان خداوند که آن را ننویسد، روی او در دنیا و آخرت سیاه خواهد شد». این نیز از زشت‌ترین دروغ‌ها و از روشن‌ترین دلایل بر بطلان این وصیت و دروغ‌گویی جعل‌کننده آن است. چگونه ممکن است در عقل عاقلی بگنجد که این وصیت را که مردی ناشناس در قرن چهاردهم آورده، به رسول الله صلی الله علیه وسلم نسبت دهد و ادعا کند که هر کس آن را ننویسد، در دنیا و آخرت روسیاه می‌شود و هر کس آن را بنویسد، پس از فقر، ثروتمند می‌شود و پس از انباشته شدن بدهکاری‌هایش از آن نجات می‌یابد و گناہانی که مرتکب شده، آمرزیده می‌شود!!

خدایا تو پاک و منزهی، این بهتانی بزرگ است!! و دلایل و

واقعیت گواه بر دروغگو بودن این جعل کننده و جسارت بزرگ او بر الله و شرم نکردن او از خدا و مردم است. بسیاری از مردم هستند که آن را ننوشتند، اما چهره‌هایشان سیاه نشد، و اینجا جمعیتی انبوه است که جز الله کسی نمی‌تواند آنها را بشمارد، این افراد بارها آن را نوشته‌اند، اما قرضشان ادا نشد و فقرشان برطرف نگردید. پس به الله پناه می‌بریم از انحراف دل‌ها و زنگار گناهان. این صفات و پاداش‌هایی است که شریعت شریف برای کسی که بهترین و بزرگترین کتاب یعنی قرآن کریم را نوشته است، تعیین نکرده است، پس چگونه برای کسی که وصیتی دروغین که شامل انواع باطل و حتی بسیاری از جملات کفرآمیز است حاصل می‌شود؟ سبحان الله! خداوند چقدر بردبار است در برابر کسی که با دروغ بستن به وی جسارت کرده است.

امر چهارم: از اموری که نشان می‌هد این وصیت از باطل‌ترین باطل‌ها و روشن‌ترین دروغ‌هاست: گفته اوست که: «و کسی که به آن ایمان بیاورد از عذاب دوزخ نجات می‌یابد، و کسی که آن را تکذیب کند کافر می‌شود»، و این نیز از بزرگ‌ترین جرأت‌ها در

دروغگویی و از زشت‌ترین باطل‌ها است. این انسان دروغگو همهٔ مردم را دعوت می‌کند که به دروغ او ایمان بیاورند و ادعا می‌کند که با این کار از عذاب آتش نجات می‌یابند و هر کس آن را تکذیب کند، کافر می‌شود. به خدا سوگند، این دروغگو بر خداوند دروغ بزرگی بسته است و به خدا سوگند، غیر حق را گفته است. هر کس این را باور کند، او سزاوار کفر است، نه کسی که آن را تکذیب کند؛ زیرا این افترا است و باطل و دروغی است که هیچ اساسی از صحت ندارد. ما خدا را گواه می‌گیریم که این دروغ است و سازندهٔ آن دروغگویی است که می‌خواهد برای مردم چیزی را تشریح کند که خداوند اجازه نداده است و در دینشان چیزی را وارد کند که از آن نیست، و خداوند این دین را چهارده قرن پیش از این دروغ برای این امت کامل کرده است. بنابراین خوانندگان و برادران، از باور کردن امثال این دروغها برحذر باشید، و مبدا که در میان شما رواج یابد، زیرا حق نوری دارد که بر جوینده‌اش پوشیده نمی‌ماند، پس حق را با دلیلش طلب کنید، و از اهل علم دربارهٔ آنچه بر شما مشکل است پرسید، و فریب سوگند دروغگویان را نخورید، چرا که ابلیس لعین برای پدر و مادرتان آدم و حوا سوگند خورد که او برایشان از نصیحت

کنندگان است، در حالی که او بزرگ‌ترین خیانتکاران و دروغ‌گوترین دروغ‌گویان است، چنانکه خداوند درباره او چنین حکایت کرده و فرموده است:

﴿وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾﴾

یعنی: (و برای آن دو سوگند یاد کرد که من برای شما از خیر خواهانم) [الأعراف: ۲۱]. پس از او و پیروانش که از دروغ‌گویان هستند، برحذر باشید، زیرا چه بسیار سوگندهای دروغین و پیمان‌های خیانت‌آمیز و سخنان آراسته برای فریب و گمراهی دارند! و اما آنچه این دروغگو از ظهور منکرات ذکر کرده است؛ امری واقع است، و در قرآن کریم و سنت مطهره درباره آن نهایت هشدار را داده‌اند، و در آنها هدایت و کفایت وجود دارد.

اما آنچه درباره نشانه‌های قیامت ذکر کرد، در احادیث صحیح آمده که چه چیزهایی از نشانه‌های قیامت است و قرآن به برخی از آنها اشاره کرده است. بنابراین کسی که می‌خواهد به این نشانه‌ها پی برد آن را در جای درستش یعنی کتب سنت و نوشته‌های اهل علم

و ایمان خواهد یافت و مردم نیازی به حرف‌های این دروغگو و تلبیس او و درآمیختن حق با باطل توسط او ندارند. خداوند من و شما و دیگر مسلمانان از شر شیاطین، و فتنه‌های گمراه‌کنندگان، و انحراف منحرفان، و فریب دشمنان باطل‌گرای خداوند، حفظ کند که می‌خواهند نور الله را با دهان‌هایشان خاموش کنند و مردم را در دینشان به اشتباه بیندازند. حال آنکه خداوند نور خود را کامل می‌کند و دینش را یاری می‌دهد، هرچند دشمنان الله از شیاطین و پیروانشان از کفار و ملحدان نپسندند. از الله خواهانیم که اوضاع مسلمانان را اصلاح کند و به آنان نعمت پیروی از حق و استقامت بر آن و توبه به سوی الله سبحانه از تمامی گناهان را عطا فرماید؛ همانا او توبه‌پذیر و مهربان و بر هر چیزی تواناست. و حسبنا الله و نعم الوکیل، و لا حول و لا قوة إلا بالله العلی‌العظیم.

و الحمد لله رب العالمین، و درود و سلام بر بنده و رسول راستگوی امین او، و بر آل و اصحاب و پیروان او به نیکی تا روز قیامت.

fa397v 4,0- 2026/02/09



# رسالة الحرمين

## پیام الحرمین

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبانهای مختلف



978-603-8534-37-3

